

تبیین اسلامی و روان شناختی نقش خانواده در مسئولیت‌پذیری کودکان و نوجوانان

تسنیم فاطمه کرملی^۱، هاجر ذبیحی^۲

چکیده

پژوهش حاضر، نقش خانواده در مسئولیت‌پذیری فرزندان و راهکارهای خانواده در ارتقای مسئولیت‌پذیری کودکان و نوجوانان را بررسی می‌کند. خانواده به دلیل اینکه اولین بستر رشد و شکوفایی فرزندان است نقش بسزایی در شکل‌گیری رفتارهای مثبت و صفات پسندیده در آنها دارد. مسئولیت‌پذیری از رفتارهایی است که نه تنها به افزایش عزت‌نفس و اعتماد به نفس فرزندان و سلامت روان آنها کمک می‌کند، بلکه آثار مثبت آن در سنین بالاتر ظهور و بروز پیدا می‌کند و آنها را در ایجاد خانوادگی پویا و مستحکم و جامعه‌ای سالم و رشدیافته یاری می‌کند. پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی-کاربردی است که با شیوه تفسیرگرایی و روش کیفی، آیات، روایات و متون روان‌شناسی را بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق بعد از تجزیه و تحلیل محتواهای دینی و روان‌شناختی بیانگر این است که برای موفقیت در این زمینه والدین باید رفتاری مقتدرانه داشته باشند؛ یعنی با تقسیم کار عادلانه، استفاده از تحسین و تشویق، صبر و بردباری و با رعایت اصل تدریج و در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی در رشد و ارتقای مسئولیت‌پذیری ایفای نقش کرده و افراد متعادل و مسئولیت‌پذیر را به جامعه تحویل دهند.

واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری، تربیت، فرزندپروری، خانواده، جامعه.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی علوم تربیتی از کشور تانزانیا، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: tasneemefatema@yahoo.com

۲. مربی و مدیر گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: zabihahajar@gmail.com

۱. مقدمه

مسئولیت‌پذیری یکی از اهداف نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. توجه به این هدف امروزه اهمیت بیشتری دارد. مسئولیت‌پذیری تعهدی است که فرد مسلمان نسبت به خدا، خود، جامعه و طبیعت دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱) تربیت فرزندان با ویژگی مسئولیت‌پذیری از دغدغه‌های مهم مربیان والدین است. والدین مسئولیت‌پذیر، تربیت با این ویژگی را از وظیفه خود می‌دانند. فرزند، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است و بدون شک انسان درمقابل هر نعمتی مسئولیت دارد. با توجه به آیه وقایه، تربیت فرزند مسئولیت والدین بوده و اهداف کلی تربیت بر محورهای زیر استوار است: اصلاح رابطه انسان با خداوند (مسئول بودن درمقابل خداوند)؛ اصلاح رابطه انسان با خود (مسئولیت در مورد جسم و روح خود)؛ اصلاح رابطه خود با خانواده (توجه به مسئولیت و تکلیف خود در خانواده)؛ اصلاح رابطه خود با جامعه (توجه به مسئولیت خود در جامعه) (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۷۷). تربیت مسئولانه، تکلیفی واجب برعهده والدین است تا فرزند را طوری تربیت کنند که یک بزرگسال خوب، سالم، خوش اخلاق و مسئولیت‌پذیر به جامعه تحویل داده شود. انسان موجودی اجتماعی است و می‌خواهد در بین مردم زندگی کند، پس وظیفه دارد همان قدر که از دیگران بهره می‌برد خودش نیز مسئولیت‌هایی را به دوش بگیرد تا بتواند به بهترین صورت، زندگی فردی و اجتماعی خود را پیش برد. کسی که مسئولیت‌پذیر باشد و درقبال پروردگار خودش را مسئول بداند هیچ‌گاه در زندگی به دیگران ظلم نمی‌کند و برای جامعه خود مانند یک سرمایه خواهد بود. دوران کودکی و نوجوانی، زمان مناسبی برای نهادینه‌سازی این ارزش اخلاقی و شکل‌گیری رفتارهای حاصل از آن است؛ زیرا در این سنین است که انسان استقلال طلب می‌شود و دوست دارد به دیگران وابستگی کمتری داشته باشد. با اینکه این احساس استقلال‌طلبی در نوجوانی پررنگ‌تر می‌شود، اما نکته مهم این است که زمینه‌سازی برای مسئولیت‌پذیر کردن فرزندان از سال‌های اول زندگی شروع می‌شود.

تاکنون پژوهش‌های زیادی در مورد مسئولیت‌پذیری صورت گرفته است. فرهادیان (۱۳۷۸) در کتاب خانواده و تحول در تربیت، ویژگی‌های فرزند نسبت به سبک‌های تربیتی والدین را بررسی و مسئولیت‌پذیری درقبال این سبک‌ها را تبیین کرده است. بافکار (۱۳۸۰) در کتاب کانون مهر (ویژه روز خانواده) به بحث خانواده، نقش‌های والدین در تربیت فرزندان و احساس و پذیرش مسئولیت‌ها می‌پردازد. بیستونی (۱۳۸۸) در کتاب خانواده از دیدگاه قرآن و حدیث، نویسنده با تفسیر موضوعی که از آیات قرآن براساس تفسیرالمیزان داشته است احساس وظیفه نسبت به خدا و نسبت به مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بررسی می‌کند. با مطالعات صورت‌گرفته، خلأ پژوهشی با رویکرد دینی در زمینه راهکارهای خانواده در افزایش مسئولیت‌پذیری فرزندان ملاحظه می‌شود.

اهمیت این موضوع از این نظر است که بی‌تردید مهمترین عامل برای شکل‌گیری شخصیت فرزندان و پرورش دادن احساس مسئولیت‌پذیری در آنها والدین هستند و اگر افراد جامعه مسئولیت‌پذیر باشند جامعه به رشد و کمال نزدیک می‌شود و در نتیجه، مردم آن جامعه یکدیگر را کمک می‌کنند تا به سعادت واقعی برسند. چنین پژوهش‌هایی به والدین کمک می‌کند تا آموزش درست داشته باشند و بتوانند با فرزندان خود از راه‌های مورد تأیید دین و بدون تنش‌های زیاد، افراد مسئولیت‌پذیر را تربیت کرده و به جامعه تحویل دهند. پژوهش حاضر با موضوع تفسیرگرایی و به‌روش کیفی به تحلیل محتوای آیات و روایات مرتبط به مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام و نظر روان‌شناسان پرداخته تا والدین را با راهکارهای ایجاد و تقویت مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان آشنا کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مسئولیت‌پذیری (Accepting responsibility)

واژه مسئولیت در کتاب المعجم به معنای: «الواجب علی الانسان أن یفعله؛ آنچه انسان باید انجام دهد» آمده است. (ابوالدهب، ۱۳۸۱) مسئولیت‌پذیری یعنی، قابلیت پذیرش، پاسخ‌گویی

و به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می شود و شخص حق دارد که آن را بپذیرد و یا رد کند (دیدگاه، ۱۳۹۷). کلمز و بین (۱۹۳۱) مسئولیت را از نظر لغوی، توانایی پاسخ دادن و در عرف عام به مفهوم تصمیم گیری مناسب و مؤثر دانسته اند. منظور آنها از تصمیم گیری مناسب این است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که از او می رود دست به انتخاب بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، موفقیت و افزایش ایمنی و آسایش خاطر می شود. منظور از پاسخ مؤثر، پاسخی است که فرد را قادر کند تا به هدف هایی که باعث تقویت عزت نفسش می شوند، دست یابد (طهرانی مقدم، ۱۳۹۶). در پژوهشی با نظرخواهی از دانش آموزان، مترادف هایی برای مسئولیت پذیری ذکر کرده و به این نتیجه رسیده اند که افراد مسئولیت پذیر ویژگی های دارند از جمله: استقلال، نظم پذیری، سخت کوشی، اخلاقی بودن، صداقت، امانتداری، سازمان یافتگی، قابلیت اعتماد، قوی، متفکر، بالغ، تربیت شده، بزرگ، منطقی، غم خوار سائرنین، قابل احترام، واقع گرا، قابل اتکا، وظیفه شناس و متعهد. (طهرانی مقدم، ۱۳۹۶، به نقل از گروونیکل و استفنز، ۱۹۹۲)

۱-۲. ویژگی های فرد مسئولیت پذیر

- به قولش پایبند باشد و تعهدات خود را انجام دهد؛

- برای دیگران قابل اعتماد باشد؛ یعنی دیگران بتوانند روی او حساب کنند؛

- پاسخ گوی رفتار خودش باشد و هنگامی که دچار اشتباه شد مسئولیت آن را بپذیرد؛

- فردی که به خانواده یا جامعه کمک کند.

یکی از واژه هایی که ارتباط زیادی با مسئولیت پذیری دارد واژه استقلال و استقلال طلبی است.

۲-۲. استقلال و استقلال طلبی

استقلال، مصدر باب استفعال از ریشه قلل به معنای بالارفتن، ارتفاع گرفتن (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۶۲۹/۱۵) و گام ها را برداشتن، جداسدن و رفتن (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۸۴۲/۲) است. استقلال به معنای مشغول کاری شدن بدون مشارکت دیگری، تابع دستور یا خواست دیگران نبودن و

داشتن اختیار، اراده تصمیم‌گیری در اداره امور و عدم وابستگی به دیگران است. یکی از وظایف مهم والدین این است که باتوجه به توانایی‌ها و استعدادهای ذاتی فرزندان او را در کسب مهارت‌ها و توانایی‌های فردی راهنمایی و حمایت کنند. محبت و حمایت‌های بیش از اندازه باعث وابستگی کودک شده و نه تنها اعتماد به نفس او را کم کرده، بلکه باعث کاهش و ناتوانی در کسب مهارت‌ها و مانع مسئولیت‌پذیری آنها می‌شود. استقلال طلبی در نوجوانان نماد بیشتری می‌یابد و نوجوان می‌تواند مسئولیت‌های بیشتری را در زندگی بپذیرد که به معنای کم شدن وابستگی او به اطرافیان از جمله پدر و مادر است.

۲-۳. خانواده

گلدنبرگ در تعریف خانواده می‌گوید: «یک سیستم اجتماعی-طبیعی با ویژگی‌های خاص خود، سیستمی که مجموعه‌ای از قوانین، نقش‌ها، ساختار قدرت، اشکال ارتباطی و راه‌های مذاکره و حل مسئله را ایجاد کرده است». (گولدنبرگ، ۱۴۰۰، ص ۱۸) خانواده شامل گروهی از افراد است که با ازدواج، تولیدمثل و پرورش فرزندان با یکدیگر زندگی می‌کنند. رابطه اعضای خانواده رابطه عمیق و چندلایه است که براساس تاریخچه مشترک و درونی شده درباره جهان و اهداف مشترک بنا شده است. در این نظام، افراد توسط علایق و دل‌بستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند دارند. خانواده معرف نظامی است که اعضای آن به صورت گروه، سازماندهی شده‌اند و کلی را ساخته‌اند که از مجموع یکایک اجزای آن فراتر است (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰).

۳. مسؤولیت‌پذیری در منابع دینی

قرآن از کلمه تقوی برای مسؤولیت‌پذیری استفاده کرده است. آیه ۱۰۸ سوره توبه درباره مسجد قبا این مطلب را به خوبی می‌رساند: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُتِيَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛ تو (ای رسول ما) هرگز در مسجد آنها (به نماز) مایست که همان مسجد (قبا) که بنیانش از اول برپایه تقوای محکم

بناگردیده سزاوارتر است به اینکه در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد، مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند درآیند و خدا مردان پاک مهذب را دوست می‌دارد» (توبه: ۱۰۸). از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که تقوی همان احساس مسئولیت و تعهدی است که به دنبال رسوخ ایمان در قلب بر وجود انسان حاکم می‌شود و او را از فجور و گناه بازمی‌دارد، به نیکی و پاکی و عدالت دعوت می‌کند، اعمال آدمی را خالص و فکر و نیت او را از آلودگی‌ها می‌شوید. تقوی از کلمه وقایه به معنی کوشش در حفظ و نگهداری چیزی است و منظور در این‌گونه موارد، نگهداری روح و جان از هرگونه آلودگی و متمرکز ساختن نیروها در اموری است که رضای خدادر آن است (بیستونی، ۱۳۸۸، ص ۶۴۱).

براساس مبانی دینی، انسان تنها خلقت خداست که مختار آفریده شده تا با اراده خود راه درست را انتخاب کند و در برابر اعمال و مسئولیت خود پاسخ‌گو باشد. در تفسیر آیه ۲۲ سوره احزاب آمده است: «روح انسانی گوهر شریفی است که ظرف تعهد و مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌کند. این استعداد از راه توانایی عقلایی و اختیار و آزادی حاصل می‌شود که از قوای مهم نفس انسانی هستند. انسان مانند ابزارهایی مثل عقل و اختیار دارد مسئولیت‌پذیر است» (مکارم، ۱۳۶۶، ۴۶۷/۷). از نظر مصباح یزدی مسئولیت‌پذیری در دوحوزه گذشته و آینده مورد توجه قرار می‌گیرد. مسئولیت مربوط به گذشته ناظر بر کارهایی است که فرد در گذشته انجام داده یا از انجام آنها سرپیچی کرده است و مسئولیت نسبت به آینده ناظر بر وظایفی است که شخص در آینده باید انجام دهد. بنابراین، مسئولیت دو مرحله دارد: خواست (مسئولیت نسبت به آینده) و بازخواست (مسئولیت نسبت به گذشته). مسئولیت نسبت به مرحله خواست و بازخواست، سه شرط دارد: قدرت و توانایی، علم و آگاهی، اختیار و اراده آزاد (مصباح، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰).

در امر مسئولیت‌پذیری فرد باید از همان اول زندگی، مهارت آن را یاد بگیرد و چنین یادگیری در محیط خانواده آغاز می‌شود و به عهده والدین است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا آیه‌ها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید» (تحریم: ۶). کسی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «چگونه خانواده خود را

از آتش دوزخ حفظ کنیم؟»؛ امام علیه السلام جواب داد: «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ، وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ عَنْهُ، فَإِنْ أَطَاعوكُ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ، وَإِنْ عَصَوْكَ فَكُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ؛ آنها را به انجام آنچه خدا فرمان داده است، فرمان می‌دهی و از آنچه خدا منعشان فرموده است، منع می‌کنی. اگر از تو اطاعت کردند آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نافرمانی‌ات کردند تو وظیفه‌ات را انجام داده‌ای» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۳۲۷/۷). با اینکه دست‌تور امر به معروف و نهی از منکر دستوری عام است که همه مسلمین نسبت به یکدیگر دارند، ولی از آیات فوق و روایاتی که درباره حقوق فرزند و مانند آن در منابع اسلامی وارد شده است به خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزند، مسئولیت سنگین‌تری دارد و موظف است تا آنجاکه می‌تواند در تعلیم و تربیت آنها تلاش کند، آنها را از گناه بازدارد و به نیکی‌ها دعوت کند نه اینکه تنها به تغذیه جسم آنها قناعت کند. جامعه از خانواده‌ها تشکیل شده است و رسیدگی به این واحد کوچک آسان‌تر از رسیدگی به کل جامعه است، پس برعهده والدین است که به فرزندان خود احساس مسئولیت‌پذیری را از همان ابتدا یاد دهند تا در آینده افراد فعالی در جامعه باشند (بیستونی، ۱۳۸۸، ص ۶۶۲).

۴. سبک‌های فرزندپروری و رابطه آن با مسئولیت‌پذیری

احساس مسئولیت، بیانگر نوعی نگرش و مهارت است که مانند هر نوع نگرش و مهارت دیگر آموختنی و اکتسابی است. این مهارت مسئولیت‌پذیری باید یاد گرفته شود و باید از ابتدای زندگی یاد داده شود تا رفته‌رفته و به تدریج نهادینه شود. درحقیقت، بدون اینکه کودک این رفتار را در طول زندگی تمرین کند، نمی‌تواند رفتار مسئولانه را از خود نشان دهد. از طرف دیگر، رابطه خوب بین والدین و فرزندان و محیط مناسب خانواده در پرورش احساس مسئولیت در فرزندان کمک می‌کند. بنابراین، مهم است که والدین با سبک‌های تربیتی آشنا باشند و درباره انواع شیوه‌های فرزندپروری معلوماتی داشته باشند تا بتوانند بهترین راه را برای مسئول

با آوردن فرزند خود انتخاب کنند. (فولادچنگ، ۱۳۸۲، ص ۲۲) مایز و پتیت^۱ (۱۹۹۷) سبک های فرزند پروری را این گونه تعریف کردند: «مجموعه‌ای از رفتارها که تعیین کننده ارتباطات متقابل والد-فرزند در موقعیت های متفاوت و گسترده‌ای است و سبب ایجاد یک فضای تعاملی گسترده می شود» (پناهی، ۱۴۰۲، ص ۴۲). این شیوه‌ها براساس دو بعد محبت و کنترل در خانواده به چهار سبک تقسیم می‌شوند: مستبدانه^۲، سهل‌گیرانه^۳، غفلت‌ورزانه^۴ و مقتدرانه^۵ (پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۳) که میزان کنترل و محبت در هر کدام در زیر به‌طور خلاصه ذکر خواهد شد.

۴-۱. خانواده سخت‌گیرانه یا مستبدانه

والدین مستبد افزون بر کنترل مستقیم ناموجه به‌گونه‌ای دیگر (غیرمستقیم و با مهار روان‌شناختی) فرزندان را کنترل می‌کنند. آنها با مهار روان‌شناختی در ابراز کلامی، فردیت و دلبستگی کودکان به والدین دخالت و در آنها دخل و تصرف می‌کنند. (لورا برگ، ۱۳۹۴، ۴۸۰/۱) در این خانواده‌ها محبت و حمایت والدین نسبت به کودک بسیار کم، ولی انتظارت و کنترل زیاد است. والدین توقع دارند که فرزندان بدون چون و چرا از آنها اطاعت کنند درحالی‌که خودشان هیچ انعطاف‌پذیری نشان نمی‌دهند و فرزندان به‌طور دائم تنبیه و سرزنش می‌شوند. در این سبک پرورش، رابطه یک‌سویه وجود دارد. والدین تصمیم‌گیرنده اصلی هستند و لازم نمی‌دانند که توضیح یا دلیلی برای امر یا نهی خود بدهند. بنابر تحقیقات، این سبک تربیتی

1. Mize, J. & Pettit, G.

2. Arbitrary

3. negligent

4. neglectful

5. domineering

خیلی مؤثر نیست و پیامدهایی منفی مانند پنهان کاری، دروغ گویی، افسردگی، فقدان خلاقیت و کنجکاو، ضعف در تصمیم گیری، اضطراب، ضعف در مهارت اجتماعی و تبعیت از گروه همسالان دارد (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۸۲-۷۹). با بررسی این پیامدها می توان نتیجه گرفت که فردی که همیشه کنترل شده و وظایف را برای حکم والدین انجام می دهد وقتی در جامعه رها شود احساس مسئولیت نخواهد داشت و توان تصمیم گیری ندارد؛ زیرا مهارت حل مسائل یاد نگرفته و همیشه فقط مطیع قوانین والدین بوده است.

۲.۴. خانواده سهل گیرانه

والدینی که از سبک فرزند پروری سهل گیرانه استفاده می کنند مهرورز و پذیرا هستند و کمترین انتظارات را دارند. آنها کنترل اندکی بر رفتار فرزندان خود دارند و به آنها اجازه می دهند خودشان در هر سنی تصمیم گیری کنند. این والدین، آسان گیری خود را ابزاری برای تحقق آرزوهای فرزندان می دانند و راهبردی برای شکل دادن و اصلاح های رفتارهای فرزندانشان ندارند. (پناهی، ۱۴۰۲، ص ۵۵) در این خانواده، سبک تربیتی مخالف سبک مستبدانه است و والدین رابطه گرم و سرشار محبت با فرزندان خود دارند درحالی که انتظارات، کنترل و نظارت خیلی کم است. والدینی که چنین سبکی را انتخاب کرده اند یا قوانین خاصی ندارند یا اینکه قوانین خیلی کم و محدود دارند و هیچ نقش هدایتگری ندارند و تصمیم گیری ها به طور کامل دست فرزندان است. برای این سبک تربیتی نیز پیامدهای منفی ذکر شده است مثل هوش هیجانی پایین، مهارت اجتماعی ضعیف، پرخاشگری، اعتماد به نفس پایین، پیشرفت تحصیلی ناچیز، خودبرتربینی، انتقادناپذیری و عدم همدلی با دیگران (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۷۵). افرادی که با این سبک تربیت می شوند توان درک دیگران را ندارند و همیشه از دیگران توقع دارند و از جامعه انتظار دارند که همه خواسته های آنها را برآورده کند با اینکه خودشان هیچ احساس مسئولیتی ندارند. این افراد همیشه طالب توجه دیگران هستند و خود را برتر می بینند. چنین افرادی چون

سختی‌ها را ندیده‌اند و کارهای فردی خود را هم انجام نداده‌اند اعتماد به نفس و توان به عهده گرفتن مسئولیت‌ها را ندارند.

۳.۴. خانواده غافل

سبک فرزندپروری غافلانه گونه‌ای از فرزندپروری است که در آن والدین به زندگی و سرنوشت کودک بی‌اعتنا هستند. در این سبک تربیتی، والدین بیشتر به فکر آسایش و لذت‌های خود هستند و راحتی خود را بر هر چیزی ترجیح می‌دهند. نه قوانینی برای کودک وضع می‌کنند و نه پذیرش عاطفی و اجتماعی دارند. در روش فرزندپروری غافلانه (بی‌بندوبار) پذیرش و روابط بسیار محدود، کنترل ضعیف و بی‌تفاوتی مطلق نسبت به استقلال فرزندان وجود دارد. این والدین از نظر هیجانی، جدا و افسرده هستند. آنها به اندازه‌ای غرق در استرس خانوادگی هستند که وقت و انرژی اندکی برای فرزندان دارند. تربیت بی‌اعتنا در حالت افراطی نوعی بدرفتاری با کودک است که غفلت نامیده می‌شود. اگر این نوع تربیت زود هنگام شروع شده باشد جنبه‌های رشد مانند دلبستگی، شناخت و مهارت‌های هیجانی و اجتماعی را مختل می‌کند. (لورابک، ۱۳۹۴، ص ۴۸۱) نتایج تربیتی این سبک از فرزندپروری کودکانی ناکارآمد، فرزندان با خویشتن‌داری ضعیف، گریزان از خانواده و مدرسه و با اعتماد به نفس پایین و فاقد مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی است؛ فرزندان که به دلیل نظارت و تربیت اندک به بزهکاری اجتماعی و زندگی بدون مسئولیت تمایل دارند (پناهی، ۱۴۰۲، به نقل از سانتراک، ۲۰۱۱، ص ۲۵۲). با بررسی این پیامدهای منفی، کسی که نتواند خود را کنترل کند و نه تابع هیچ قانونی بوده و نه در هیچ مسئله‌ای پاسخ‌گو بوده، احساس مسئولیت نیز یاد نگرفته و نمی‌تواند فرد فعال جامعه باشد.

۴.۴. خانواده مقتدرانه یا قاطع

در این خانواده‌ها محبت و دلگرمی نسبت به تک‌تک فرزندان رعایت می‌شود و کنترل و نظارت هم وجود دارد. این والدین، مثل والدین مستبد، قوانین دارند، ولی توقع اطاعت بی‌چون و چرا ندارند؛ یعنی والدین با استدلال و مشورت، قوانین را برای فرزندان توضیح می‌دهند و فرزندان

هم آنها را می‌پذیرند. این پذیرش توسط فرزندان منطقیانه است و فرزندان به دلیل داشتن رابطه گرم با والدین به این قوانین عمل می‌کنند. در چنین خانواده‌ای با اینکه گفتار والدین قاطعیت دارد، ولی والدین خواسته‌های خود را تحمیل نمی‌کنند و از روش انضباطی و غیرتنبیه استفاده می‌کنند تا میزان کنترل و پاسخ‌دهی تعادلی داشته باشند (فولادچنگ، ۱۳۸۲، ص ۲۳). این سبک تربیتی بهترین روش پرورش است و برای این سبک پیامدهای مثبت زیادی ذکر شده است. چنین افرادی ویژگی‌های زیر را دارند: رفتار اجتماعی شایسته، منطقی، روابط گرم با دیگران، متکی به خود و استقلال، قاطع، حس مسئولیت اجتماعی، کنار آمدن با همسالان و توان تعویق انداختن خواسته‌های خود (فرهادیان، ۱۳۷۸). یکی از مهمترین پیامدهای سبک تربیتی مقتدرانه افزایش خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری در کودکان است، آنها انگیزه بالا دارند و کارکردشان در انجام تکالیف و مسئولیت‌های شغلی و اجتماعی بهتر از دیگران است (پناهی، ۱۴۰۲، ص ۶۵). براساس تحقیقات موجود، سبک تربیتی والدین خیلی تأثیرگذار است و براساس این شیوه‌ها ویژگی‌های افراد نیز تفاوت پیدا می‌کنند.

یکی از این تفاوت‌ها در احساس مسئولیت‌پذیری آنهاست. تحقیقات نشان می‌دهد که بالاترین میزان مسئولیت‌پذیری در فرزندان خانواده‌های مقتدرانه و کمترین آن در فرزندان خانواده‌های غافل است. (پناهی، ۱۴۰۲، ص ۸۷) در خانواده‌های سهل‌گیر و غافل چون والدین هیچ توقعی از فرزندان نداشته و در خانواده‌های سختگیرانه چون هر کاری با کنترل شدید انجام می‌شود وقتی فرزندان این خانواده‌ها بزرگ شوند توانایی انجام مسئولیت‌ها را با اراده خود ندارند، درحالی‌که در خانواده‌های مقتدرانه چون فرزندان استقلال مناسب دارند و به آنها اجازه داده می‌شود که خودشان در زمینه‌هایی که آمادگی داشتند، تصمیم بگیرند، فرزندان احساس تعهد دارند و در تصمیمات خانواده و جامعه نیز مشارکت می‌کنند.

۵.۴. سبک فرزندپروری اسلامی (مسئولانه و اعتدالی)

پناهی در پژوهش خود با تکیه بر آیات و روایات و ارزیابی سبک‌های تربیتی چهارگانه فوق، سبک فرزندپروری اسلامی را چنین تبیین می‌کند: «از دیدگاه اسلام، سبک فرزندپروری غافلانه و سهل‌گیرانه مردود و سبک استبدادی معیوب و سبک مقتدرانه، مقبولیت نسبی و پیامدهای مثبت فراوانی دارد. ضرورت مسئولیت‌پذیری والدین و تلاش در تحقق اهداف پرورشی آنها در سبک فرزندپروری اسلامی به‌گونه‌های مختلف تأکید شده است تا برای والدین درقبال فرزندان و تربیت آنان تعهد و التزام ایجاد شود و نیز فرزندان مسئولیت‌پذیر و متعهد پرورش یابند. سبک فرزندپروری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی سبکی جامع، متقن، دارای دامنه گسترده، قابل‌کاربست مسئولانه، واقع‌بینانه، هماهنگ با اهداف خلقت انسان، سازنده، تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی و سبکی معتدل است. در این سبک به همه نیازهای انسان توجه شده است. مهمترین اهداف و غایت در سبک فرزندپروری اسلامی-تربیتی، تربیت فرزندان متعهد و مسئولیت‌پذیر درقبال روابط چهارگانه خود، رابطه با خدا خود دیگران طبیعت می‌باشد» (پناهی، ۱۴۰۲).

۵. واگذار کردن مسئولیت از سنین کودکی

کودک اگرچه کوچک هم باشد، می‌تواند به خودش برسد. از نظر روان‌شناسان، حتی کودک نوپا می‌تواند مسئولیت‌هایی مثل مراقبت از خود، تمیز کردن خرابکاری‌های خود، غذا خوردن با دست خود، انتخاب اسباب بازی خود و این نوع مسئولیت‌ها را خودش انجام دهد. (ناصری، ۱۳۹۷) اسلام نیز به این شیوه جالب تأکید کرده است و امام کاظم علیه السلام در این مورد فرمود: «تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صَفَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ؛ شایسته است که کودک در کوچکی با دشواری‌ها روبه‌رو شود تا در بزرگی حلیم و بردبار شود» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۶/۲۵۷).

روبه‌رو کردن کودکان با سختی‌های زندگی (با واگذاری مسئولیت) موجب می‌شود روحیه وی تقویت شود و چنین فردی در بزرگسالی می‌تواند به راحتی با دشواری‌ها کنار بیاید و حتی وظایف

خیلی سنگین‌تر را به عهده بگیرد که باعث پیشرفت خود وی شود. والدین سرچشمه تقویت این روحیه استقامت هستند و بدین سبب به شرح صدر نیاز دارند. باید با رفتار مقتدرانه کار را پیش ببرند. آنها باید اول به فرزندشان برای تأمل و تفکر برای راه حل مسئله وقت بدهند. در این راستا مدام فرزندشان را تشویق کنند که اول خودش به نیازهایش برسد. این کار باید با صبر و حوصله توسط والدین صورت گیرد نه با زورگویی. والدین نیز نباید به همه خواسته‌های فرزندشان فوری جواب دهند تا زمینه احساس مسئولیت را در او ایجاد کنند. وقتی والدین چنین رفتاری داشته باشند به فرزند خود توانایی می‌بخشند که در آینده بتواند تصمیمات خود را خودش بگیرد و بدون هیچ رنج و مشقتی به خواسته‌هایش برسد و در نتیجه فرد مسئولیت‌پذیر را پرورش دهند (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۳۳).

والدین وظیفه دارند احساس مسئولیت را در فرزند خود نهادینه کنند باید مواظب باشند که در این مسئله از افراط سپردن وظایف خودداری کنند. کارهایی که والدین از فرزندان تقاضا می‌کنند باید مناسب سن کودک باشد. آنها باید از کنترل بیش‌ازحد پرهیز کنند و نباید همواره کودکان را نصیحت کنند. زیرنظر داشتن ریزترین نکات و تذکر دادن مدام باعث لجاجت در فرزند می‌شود. به‌همین دلیل است که باید گاهی مسئولیت‌ها به فرزندان واگذار شود و گاهی با محبت کامل توسط والدین انجام گیرد. در این میان افراط و تفریط باید حفظ شود؛ زیرا اگر اختیار از کودک گرفته شود باعث سلب استقلال فرزند می‌شود و به اعتماد به نفس فرزند ضربه می‌زند. (فرهادیان، ۱۳۸۷، ص ۹۳) برای ایجاد احساس مسئولیت، والدین باید با زرنگی کامل در مسائل روزمره با فرزندان خود مشورت کنند و زمینه‌های طبیعی مشکلات را برای کودک و نوجوان خود فراهم کنند. همچنین او را با محرومیت‌هایی مواجه کنند تا با تجربه بتواند در دریای امواج این دنیا خودش شنا کند و هنگام مشکلات، خودش را به ساحل برساند (فرهادیان، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

۶. نقش الگویی والدین در مسئولیت‌پذیری

خانواده اولین نهاد آموزشی است و والدین نخستین الگو برای فرزندان. کودکان و نوجوانان از اخلاق، رفتار و باورهای والدین تقلید می‌کنند و هرچه والدین بیشتر به هنجار یا ارزشی اهمیت دهند فرزند نیز به همان اندازه یا درحد متوسط، آن را رعایت می‌کند. (طهماسبی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۱)

آلبرت بندورا (Albert Bandura) یکی از تأثیرگذارترین روان‌شناسان همه اعصار بر این باور است که بیشتر رفتارهای بشری مشاهده‌ای است و با مدل‌سازی انجام می‌گیرد؛ یعنی انسان با مشاهده رفتار دیگران (آنها چگونه رفتار را انجام می‌دهند) و سپس بعد از این مشاهده، کدگذاری شده و الگویی برای انجام همان عمل در افراد دیگر می‌شود. یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه بندورا این است که انسان‌ها از راه مشاهده یاد می‌گیرند؛ چه این دیدن به صورت مستقیم باشد یا نباشد، پس می‌توان نتیجه گرفت که فرزندان آن‌گونه که والدین می‌خواهند، نمی‌شوند، بلکه آن‌گونه که عمل می‌کنند، می‌شوند (افشاری، ۱۳۹۸).

اگر والدین بخواهند فرزندی مسئولیت‌پذیر تربیت کنند باید زمینه آن را نیز فراهم کنند. آنها باید بدانند که با سخنرانی، تذکرات پیاپی و سرزنش مداوم نمی‌توانند در مسئولیت‌پذیری فرزندشان کمک کنند، بلکه باید والدین با عمل خود و با ارائه الگو توسط خودشان، کودک را به این مسئله جلب کنند. (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۸۱) والدینی که از کودک بخواهند وسایلش را مرتب کند و لباس‌هایش را در جای خود بگذارد، اول خودشان باید مواظب باشند که وسایلشان را نباید پرتاب کنند و همه چیز را سر جای خود قرار دهند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گوئوا دُعَاةَ إِلَى أَنْفُسِكُمْ بَعْدَ السَّنْتِكُمْ وَ گوئوا زَيْنًا وَ لاَ گوئوا شَيْنًا؛ مردم را با غیر زبان‌هایتان به خودتان دعوت کنید و زینت باشید و ننگ نباشید» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۶۲/۱۳).

کودک مانند طوطی، رفتار والدین را تقلید می‌کند و مثل خمیری هست که همیشه از والدین الگو می‌گیرد. بدین ترتیب اگر والدین فرزند مسئولیت‌پذیر داشته باشند باید خود در جامعه داوطلب باشند و مسئولیت‌ها را به دوش بگیرند، اشتباهات خود را بپذیرند و هرگاه لغزش داشتند، عذرخواهی کنند تا فرزندان این ارزش‌ها را یاد بگیرد. نکته دیگری که می‌توان این

عادت را در فرزند نهادینه کند این است که هر وقت والدین مسئولیتی را به عهده بگیرند یا بخواهند مسئولیتی را به کودک یاد دهند از کلمه «ما» استفاده کنند تا فرزند خود را در آن کار شریک بدانند. برای مثال کودکی که هنگام بردن پارچ سر سفره، اگر دستش لریزد و آب میوه ریخت، والدین، کودک را در تمیز کردن آن شریک بگیرند و بگویند: «اشکالی ندارد، «ما» می‌توانیم سریع این را درست کنیم» (کیدزی، ۲۰۲۳). با این روش، کودک زودتر می‌تواند احساس مسئولیت را یاد بگیرد. وقتی والدین از روش‌های متفاوت مثل داستان‌گویی، بازی کردن، مشارکت دادن و از تشویق و تنبیه استفاده کنند برای فرزندان نیز پذیرفتن بار مسئولیت راحت‌تر می‌شود. با بیان حکایت‌ها، قصه‌ها و الگو دادن شخصیت‌های مسئولیت‌پذیر و پاداش‌هایی که نصیب آنها می‌شود برای عهده‌هایی که گرفتند والدین می‌توانند کودک را در همانندسازی با آنها تشویق کنند تا در آینده، عهده‌ها را به راحتی بپذیرند. این داستان‌ها و الگوها احساس مسئولیت را در کودکان تقویت می‌کنند (فولادچنگ، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

۷. نقش بازی در احساس مسئولیت‌پذیری

یکی از زمینه‌های دیگر برای همانندسازی، بازی کردن است. بازی و تفریح برای کودکان خیلی مهم است و حس کنجکاوای کودک را رشد می‌دهد. وقتی والدین با کودکشان هم‌بازی شوند روحیه خودباوری و عزت‌نفس او را تقویت می‌کنند و می‌توانند خیلی از مسئولیت‌ها را از راه غیرمستقیم به فرزند خود یاد دهند. در آزمایش‌های انسانی توسط اسکلیز و دای^۱ (۱۹۳۹) اهمیت مشارکت والدین در بازی با کودک در اوایل زندگی‌اش بررسی و رشد ذهنی کودکان با افزایش بازی ثابت شد. (شجاعی، ۱۳۸۴) اسلام نیز این اصل بازی را تأکید کرده است. پیامبر ﷺ درباره خاکبازی فرمود: «انَّ التراب ربيع الصبيان؛ همانا خاک تفریحگاه کودکان است» (طبرانی، ۱۴۱۵، ۱۴۰/۶). امام صادق علیه السلام فرمود: « دَع ابْنک یلعب سبع سنین؛ بگذار

فرزند هفت سال بازی کند» (عاملی، ۱۴۱۴، ۲۱/۴۷۵). معلوم می‌شود که وقتی اسلام به بازی با کودکان تأکید کرده است این کار تنها برای تأمین نیازهای مادی وی نیست، بلکه جنبه تربیتی نیز دارد و والدین باید به این نیازهای روانی و عاطفی فرزند خود پاسخ دهند. وقتی والدین وقتشان را برای بازی با فرزندشان خرج کنند و در هنگام بازی رفته رفته مسئولیت‌ها را به وی یاد دهند فرزند چست و چالاک می‌شود، با سختی‌های زندگی مواجه می‌شود و دنبال راه حل‌ها می‌گردد. چنین فردی آمادگی بیشتری برای زندگی آینده دارد؛ زیرا با صبوری و پایداری با مشکلات زندگی روبه‌رویی شده است (شجاعی، ۱۳۸۴). قواعد و اصول بازی، کودک را با قواعد و اصول جامعه آشنا می‌کند. کودک با بازی کردن خصلت‌هایی مثل همدلی، همکاری، تعاون، مشارکت و بسیاری از راهکارهای احساس مسئولیت‌ها را یاد می‌گیرد. بدین ترتیب، بازی با کودکان امری ضروری است؛ زیرا در راستای بازی، والدین می‌توانند خواسته‌های خود را منتقل کنند و به‌طور مقتدرانه شخصیت فرزند خود را رشد دهند تا در آینده کودک با اختیار خود، مسئولیت‌ها را برعهده بگیرد.

۸. مشارکت و همراهی والدین، نه سختگیری

هنگامی که کودک احساس کند والدین در انجام کارها با او همکاری می‌کنند احساس امنیت می‌کند. والدین باید به یاد داشته باشند که هدفشان این نیست که فقط کار انجام شود، بلکه هدف این است که فرزندشان مسئولیت‌پذیر شود و از مسئولیت‌پذیری لذت ببرد. والدین باید هنگام انجام کار طوری رفتار کنند که به فرزند خوش بگذرد. با مشارکت والدین و کنار هم بودن و باهم کار انجام دادن، فرزند روش انجام کارها را یاد می‌گیرد. درست است که اگر والدین خودشان به تنهایی کارها را انجام می‌دادند آن کار زودتر به نتیجه می‌رسید و با اینکه کمک کردن خیلی سخت‌تر است، اما وقتی والدین بخواهند فرزند کارهایش را با اشتیاق انجام دهد و مسئولیت‌پذیر شود نباید او را مجبور کنند تا در برابر مسئولیت‌ها مقاومت کند، بلکه باید با مشورت با فرزند خود کار را پیش ببرند تا او با رضایت خود، مسئولیت‌ها را برعهده بگیرد. این نوع

همکاری والدین در کارها با اینکه کارها را کند انجام می‌دهد بهترین روش و نوعی تشویق برای فرزند است (ناصری، ۱۳۹۷).

وقتی والدین با فرزندشان همکاری کنند و کارها را مشارکتی انجام دهند اهمیت و ارزش باری کردن در او نهادینه می‌شود. وقتی والدین به فرزند حق انتخاب و تصمیم‌گیری بدهند، اجازه می‌دهند که فرزند نتیجه عملکرد خود را تجربه کند. وقتی به جای کنترل کردن رفتار کودک و نوجوان، والدین نظارت داشته باشند و با مشورت و همکاری کار را پیش ببرند احتمال انتخاب درست توسط فرزند بالا می‌رود؛ زیرا کودک خودش احساس مسئولیت را تجربه می‌کند. (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۶۴) کودکی که در خانه به صورت گروهی کارها را انجام دهد نه تنها مسؤولیت‌پذیری را یاد می‌گیرد، بلکه اعتماد به نفسش هم بالا می‌رود؛ زیرا وظیفه‌اش را شناخته، آن را به اتمام رسانده و این به او احساس غرور می‌بخشد (کیدزی، ۲۰۲۳). برای موفقیت در این زمینه مهم است که تصمیمات درباره مسؤولیت‌ها و چگونگی انجام کارها با مشورت کودک و نوجوان گرفته شوند و هر از گاهی جلسات خانواده برای این تقسیم مسؤولیت‌ها برگزار شوند (فولادچنگ، ۱۳۸۲، ص ۲۴). اگر والدین به فرزند اجازه دهند که خودش فکر کند و به جای اینکه دستور دهند به او اجازه داده شود که روی مسؤولیت تمرکز کرده تصمیم بگیرد به وی کمک می‌کنند تا یاد بگیرد کارهای خود را خودش انجام دهد. با استفاده از این روش، والدین روحیه مسؤولیت‌پذیری را در فرزند خود رشد می‌دهند (ناصری، ۱۳۹۷).

۹. تشویق و تحسین

روان‌شناسان رفتارگرا انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می‌دانند. این برداشت از انگیزش بر اندیشه اصلی رفتارگرایان استوار است که می‌گویند: «پیامدهای اعمال و رفتارها هدایت‌کننده و کنترل‌کننده آنها هستند» (سیف، ۱۳۹۳). تشویق و تحسین از تمایلات فطری هستند و در سنین کودکی احساس این نیاز در انسان بیشتر است. استعدادهای کودک با تشویق و تحسین به فعلیت می‌رسند؛ زیرا تشویق نیروی تازه‌ای به فرد می‌بخشد و بهترین

روش برای انتقال آموزه‌هاست. ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی و بنیان‌گذار مکتب پراگماتیسم می‌گوید: «عمیق‌ترین انگیزه در نهاد آدمی، عطش داشتن به تحسین است» (قاسمی، ۱۳۹۴). تشویق تقویتی است که به فرزند انگیزه می‌دهد کارها را انجام دهد، ولی والدین باید این هم در نظر داشته باشند که پاداش‌های مادی به تنهایی با اینکه شاید به طور موقت تأثیرگذار باشند، ولی در طولانی‌مدت تأثیر خود را از دست می‌دهند. بنابراین، استفاده از تشویق‌های غیرمادی مثل تحسین خیلی مهم است.

در گزاره‌های دینی افزون بر سفارش به این روش تربیتی به ضوابط و چهارچوب‌های کاربردی آن نیز اشاره شده است. امام علی علیه السلام درباره نقش تشویق در ایجاد انگیزه و افزایش فراوانی رفتار درست می‌فرماید: «همواره از افراد فعال ستایش کن و کارهای مهمی را که انجام دادند برشمار؛ زیرا یادآوری کارها ارزشمند آنان شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوهارا به تلاش وامی‌دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۰۵/۳۳). در منابع دینی تأکید شده است که باید حد تعادل نیز رعایت شود؛ یعنی اینکه تناسب میان عمل و میزان تشویق باید رعایت شود. امام علی علیه السلام در این باره فرمود: «الثناء بأكثر من الاستحقاق ملق، والتقصیر عن الاستحقاق عی أو حسد؛ مدح و ستایش بیش از حد استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق، عجز و درماندگی و یا حسد است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷).

پس ضروری است که والدین حد تشویق و تحسین را رعایت کنند تا فرزند در مقابل هر کاری که انجام می‌دهد توقع پاداش نداشته باشد؛ زیرا وقتی وارد اجتماع شد کسی برای انجام کارهای شخصی او را تحسین نمی‌کند یا به او هدیه نمی‌دهد. (کیدزی، ۲۰۲۳) هرچند برای مسئولیت‌پذیر کردن فرزند نباید از کودک بیش از حد تعریف و تمجید کرد، ولی هیچ شکی نیست که تشویق کردن فرزند لازم است و به او انگیزه می‌دهد تا مسئولیت‌ها را برعهده بگیرد و آنها را تا پایان دنبال کند. نکته مهم دیگر که نوعی تشویق محسوب می‌شود این است که والدین نباید به مقدار کار کودک توجه کنند، بلکه باید میزان تلاش او را ببینند. توجه به تفاوت‌های فردی در قالب یک قانون روان‌شناختی از ایجاد احساس شکست جلوگیری می‌کند؛ احساسی که به

تسلیم شدن و سلب مسئولیت فرد می‌انجامد و انگیزه آنها را برای التزام رفتاری بیشتر می‌کند (پناهی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۸). در نتیجه به همان اندازه که فرزند کاری انجام داده باید تحسین شود و در مقابل کاری که نتوانسته انجام دهد، نباید سرزنش شود و گرنه ناامید شده و تلاش خود را قطع می‌کند. اگر میزان تلاش کودک در نظر گرفته شود استرس و اضطراب نمی‌گیرد و رفته‌رفته در انجام مسئولیت‌ها تسلط پیدا کرده و در آینده کارهایش را زودتر به نتیجه می‌رساند، پس هنگام آموزش مسئولیت‌پذیری به کودک صبوری والدین یکی از مهمترین اصل است.

این صبوری صورت‌های مختلفی دارد. صبوری والدین گاهی از این‌روست که با اینکه خودشان می‌توانستند کار را زودتر انجام دهند، ولی با سپردن آن به فرزند به وی اقتدار می‌بخشند. صبوری دیگر از این نظر است که کارها را باید به مراحل کوچک تقسیم کنند و در حالی که مسئولیت‌های کوچک به کودک می‌سپارند، خود کار دست والدین است و با اینکه اصل کار برای والدین کم نشده، رفته‌رفته کودک آن کار را یاد بگیرد. (کبیری، ۲۰۲۳) یکی از مهمترین راه در آموزش مسئولیت‌پذیری، استفاده از عواقب طبیعی و منطقی است. برخی رفتارها با در نظر گرفتن پیامدهای منفی و نشان دادن آثار آنها به کودک آموخته می‌شود. برای یاد دادن چنین مسئولیت‌هایی، والدین باید سن کودک را رعایت کنند. برای مثال اگر کودکی زود عصبی می‌شود و ممکن است به دیگران آسیب برساند باید متناسب با سنش عواقب رفتارش به او نشان داده شود. در این شکی نیست که باید سن کودک در واگذاری مسئولیت‌ها در نظر گرفته شود و نیز اینکه عواقب آنها رعایت شود. علاوه بر آن لازم است که والدین اطلاعاتی از مراحل رشد فرزند کسب کنند و همراه با در نظر گرفتن استعداد های فرزندشان عملکرد داشته باشند تا مقتدرانه فرزند خود را کمک کنند که فرد مفیدی در جامعه شود.

۱۰. توجه به تفاوت‌های فردی و رعایت اصل تدریج

علاوه بر توجه به مراحل رشد، والدین باید بدانند که هیچ انسانی به طور کامل شبیه دیگری نیست. خداوند نیز به این اصل در قرآن اشاره کرده است: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا؛ حال آنکه شما را

به گونه‌های مختلف بیافرید» (نوح: ۱۴). والدین باید بدانند که همان‌گونه که فرزندشان از نظر شکل و ظاهر از کودکان دیگر متفاوت است از نظر استعدادهای تحصیلی، شخصیت، توانایی‌ها و مهارت‌ها نیز از دیگران متفاوت است. نیز به این هم توجه داشته باشند که فرزندانشان با یکدیگر و با خود والدین هم متفاوت هستند. والدین باید با در نظر گرفتن روحیه هر فرزند به او مسئولیت بسپارند. همخوانی انتظارات و امکانات ایجاد می‌کند که سه امر در راستای یکدیگر مورد توجه والدین قرار گیرد: الف) درک عمیق و روشن از توانایی‌های فرزندان در زمینه‌های گوناگون؛ ب) استنباط و روشن بینی والدین نسبت به تمایلات و علایق آنها؛ ج) تنظیم و تفویض مسئولیت‌ها به آنان بر مبنای توجه به تمایلات و توانایی‌های فرزندان (بافکار، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

برای مسئولیت‌پذیری، والدین زیرک بین بازی و مسئولیت کودک تعادل برقرار می‌کنند، ولی این به تدریج و به مرور زمان اتفاق می‌افتد. عبور از بازی لازمه ایجاد مسئولیت است. برای مثال در مرحله اول، کودک اسباب بازی‌هایش را برای تفریح و سرگرمی جمع می‌کند و در مرحله بعد، برای کمک به مادر این کار را انجام می‌دهد. رفته رفته یاد می‌گیرد که چون بزرگ‌ترها به او گفتند باید کار را انجام دهد و اصل مسئولیت‌پذیری در او نهادینه می‌شود و چون خودش را مسئول می‌داند اسباب بازی‌هایش را جمع می‌کند.

پس مهم است که اگر والدین بخواهند موفق باشند، ضروری است که از دوره‌های رشد فرزندان شناخت کامل داشته باشند و متناسب با سن و رشد فرزند، مسئولیت‌ها را به او بسپارند. پیامبر اکرم ﷺ نیز با توجه به اهمیت رشد فرزندان و واگذار کردن مسئولیت‌ها به آنها فرمود: «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند هفت سال رئیس (فرمانده) است و هفت سال بنده (فرمانبردار) است و هفت سال وزیر (کمک‌کار)» (طبرسی، ۱۳۷۰، ۴۷۸/۱). از این حدیث به خوبی می‌توان دریافت که اگر در هفت سال اول، کودک در حال بازی کردن مسئولیت‌ها را یاد بگیرد و در هفت سال دوم، مسئولیت‌ها به او سپرده شوند دیگر وقتی به هفت سال آخر رسید، قابلیت دارد که وزیر والدین بوده و فرد مفیدی برای جامعه باشد. در نتیجه اگر اصل تدریج رعایت شود و کودک به تدریج مسئولیت بزرگ و بزرگ‌تر را به عهده بگیرد

نه خودش آسیب می‌بیند و نه به جامعه ضربه می‌زند. از نظر ال‌کاینده (۱۹۸۱) روان‌شناس و مؤلف کتاب کودک دارای شتاب رشد، دنیای امروز از کودکان طبقه متوسطه توقعات زیادی دارد و بدون توجه به مراحل رشد فرزند، مسئولیت‌ها را به او می‌سپارند و چون وی آماده نیست این پافشاری برای بزرگ شدن سریع کودک بر او فشار روانی وارد می‌کند که باعث شکست تحصیلی، بزهکاری، فعالیت جنسی و مصرف بی‌رویه دارو می‌شود (آنسلمو، ۱۹۹۵، ص ۹۴).

مهم این است که والدین از مراحل رشد، آگاهی داشته و نسبت به سن کودک مسئولیت‌ها را به او بسپارند. آن‌گاه اگر دیدند فرزند برای گریز از مسئولیت بهانه می‌آورد باید هوشمندانه آنها را مسدود کنند. برای مثال اگر بهانه این باشد که «من بلد نیستم» آن کار را به او خوب آموزش دهند و مرحله به مرحله آن کار را به او یاد دهند تا بهانه از بین برود. اگر در مسائل راضی نشود کارها را انجام دهد والدین باید اجازه دهند که کودک خودش پیامدهای بی‌مسئولیتی‌اش را تجربه کند. برای مثال اگر کودک مشق‌هایش را خودش در کیف گذاشته، مادر آن را نگذارد تا وقتی معلمش او را بازخواست کند، پیامدش را خودش تجربه کند و این مسئولیت را برای همیشه یادگرفته و باگذشت زمان احساس مسئولیت‌پذیری در او نهادینه خواهد شد. (کیدزی، ۲۰۲۳) والدینی که با این روش پیش بروند، به فرزند خود اقتدار می‌دهند تا در آینده مسئولیت‌پذیر شود تا بتواند نیازهای خود و جامعه برطرف کند.

۱۱. مشخص کردن مسئولیت‌های اعضای خانواده

وقتی بزرگسالان به جوانان عهده ندهند، فرزندان مسئولیت‌گزیر می‌شوند. در دنیای امروز با اینکه جوانان اطلاعات زیادی دارند و سطح دانش آنها خیلی بالاست، ولی به دلیل بی‌تجربگی و ناپختگی در حاشیه نگاه داشته شده‌اند. اگر والدین نخواهند فرزندشان فقط تماشاچی باشد یا اینکه به حاشیه رانده شود باید از همان کوچکی به همه اعضای خانواده مسئولیت سپرده شود. وقتی این فرزند بزرگ شد در کارزار اجتماع نقش بازیگر خواهد داشت و فرد مفیدی برای جامعه خواهد بود. (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴) مدیریت خانواده کاری مستمر است و نیاز به

برنامه ریزی دارد. این برنامه ریزی باید براساس اهداف شرعی، عقلی، اخلاقی و عرفی باشد همراه با توجه به کوچک ترها و احترام به بزرگ ترها. هنگام برنامه ریزی، توانایی همه اعضای خانواده در نظر گرفته شود و مسئولیت ها به صورت عادلانه تقسیم شوند. بهترین روش برای تقسیم این مسئولیت ها این است که در نشست خانوادگی انجام گیرد. وقتی همه اعضای خانواده دور هم جمع شوند و مشارکتی تصمیم بگیرند هیچ کس احساس اجبار و ناانصافی نمی کند. وقتی کودک اهداف و مسئولیت ها را بداند و داوطلبانه وظیفه ها را برعهده بگیرد با انگیزه قوی تری کارهای خود را انجام می دهد. علاوه بر آن، اتحاد در این خانواده ها قوی است و پیوند محبت در این خانواده ها تقویت می شود. فایده دیگر این نشست خانوادگی این است که وقتی همه اعضای خانواده با هم تصمیم بگیرند که چه کسی چه مسئولیت هایی داشته باشد کودکان یاد می گیرند نتایج تصمیم خود را قبول کنند و متوجه می شوند اگر کوتاهی کنند چطور باید آن را جبران کنند. در مواردی که چنین نباشد به جای جبران کردن اشتباهات، همه به دنبال کسی می گردند که او را سرزنش کنند. وقتی والدین کودکشان را سرزنش کنند کودک یاد می گیرد که به جای اینکه مسئولیت را بپذیرد دنبال دلایلی بگردد تا ثابت کند مقصر نبوده و به جای اصلاح اشتباهات، احتمال تکرار کردن آن اشتباه بیشتر می شود. نقطه مقابل سرزنش کردن، عشق بدون شرط است. وقتی والدین از سرزنش بپرهیزند و شرایط فرزند را قبول کنند احساس قدرت به او می بخشند و در نتیجه فرزند مسئولیت ها را به آسانی می پذیرد (ناصری، ۱۳۹۷). در خانواده ای که والدین با برخورد آزادمنشانه با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند یعنی، به همه اعضای خانواده اعتماد می کنند و به همه اختیار و آزادی می دهند هم حسن ظن یافت می شود، هم حس مسئولیت پذیری ارتقا پیدا می کند و هم و اعتماد به نفس اعضای این خانواده بالاست (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۶۵). در خانواده های مقتدرانه چنین جوی وجود دارد و هر فرد این خانواده به اندازه کافی احساس مسئولیت دارد و از اعضای فعال جامعه هستند.

۱۲. نتیجه‌گیری

همه والدین خواهان این هستند مری فرزندان، مسئولیت‌پذیر، بزرگسال متعهد و وظیفه‌شناس باشد. برای اینکه چنین تربیتی اتفاق بیفتد به سرمایه‌گذاری بلندمدت نیاز است. راهکارهایی برای ایجاد مسئولیت‌پذیری در مقاله حاضر اشاره شد تا والدین بتوانند فرزندى مسئولیت‌پذیر به جامعه بسپارند؛ فردی که زود شکست نخورد یا از پذیرفتن مسئولیت‌ها عقب نشینی نکند. با استفاده از روش‌های مختلف مقتدرانه و با انعطاف‌پذیری و صبوری می‌توان این خصلت‌ها را در فرزند نهادینه کرد. مهم این است که والدین به یاد داشته باشند که کوشش‌های اولیه کودک، پایه هستند و همان‌طور که هستند باید پذیرفته شوند. حمایت عاطفی به‌ویژه آنجاکه کودک کم آورده، ضروری‌تر است تا کودک یاد بگیرد مسئولیت‌ها را برعهده بگیرد. اگر مسئولیت‌ها در سنین کودکی به فرد سپرده نشود، نمی‌توان انتظار داشت که فرد در بزرگسالی وظیفه‌شناس باشد و به دیگران آرامش ببخشد. اگر فردی از کودکی یاد بگیرد کارهای خودش را انجام دهد و در تصمیم‌گیرهای روزانه با تشویق و تحسین مداوم و الگوگرفتن از والدین، در بزرگسالی چنین فردی برای انجام کارهای جامعه داوطلب خواهد شد. این فرد با وظیفه‌شناسی کامل و با پیشه گرفتن تقوی، خود و اطرافیان را خوشبخت خواهد کرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج‌البلاغه
۱. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
۲. ابوالدهب، اشرف طه (۱۳۸۱). المعجم الاسلامی، «الجنائب الدینیة و السیاسیة و الجماعیة و الاقتصادیة»، دایره‌المعارف‌ها، وازه-نامه‌ها، قاهره: دارالشرق.
۳. افشاری، مرضیه (۱۳۹۸). نظریه بندورا: نظریه یادگیری اجتماعی، مدل شناختی رفتاری <https://www.personalogy.ir/>
۴. آنسلمو، ساندر (۱۹۹۵). رشد دوره اولیه کودکی پیش از تولد تا هشت‌سالگی. مترجم: آخشی، علی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. بافکار، حسین (۱۳۸۰). کانون مهر، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
۶. بیستونی، محمد (۱۳۸۸). خانواده از دیدگاه قرآن و حدیث (تفسیر موضوعی المیزان). قم: بیان جوان.
۷. تبریزی، مصطفی، دیباییان، شهرزاد،، کاردانی، مزده، و جعفری، فروغ (۱۳۹۱). فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده‌درمانی. تهران: فراروان.

۸. حسینی، داوود (۱۳۸۱). جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). حکومت حکمت: حکومت در نهج البلاغه. تهران: خانه اندیشه.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات روزنه.
۱۱. دیدگاه، زهره، و همکاران (۱۳۹۷). تبیین نقش مسئولیت‌پذیری در تربیت اجتماعی نوجوان براساس تفسیر المیزان. نشریه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال نهم، شماره ۳، ص ۲۷-۵۶.
۱۲. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۴). مسئولیت والدین در زمینه بازی کودک از نظر اسلام. نشریه شمیم یاس، شماره ۳۱، ۳۸-۴۴.
۱۳. الطبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵). المعجم الکبیر. القاهرة: مکتبه ابن تیمیه.
۱۴. طهرانی مقدم، حامد، و شریعت باقری، محمد مهدی (۱۳۹۶). مسئولیت‌پذیری و راهکارهای ارتقای آن در نوجوانان دانش‌آموز. کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی شیراز.
۱۵. طهماسبی، مهدی (۱۳۸۱). چگونگی انتقال مفاهیم دینی به جوانان. اصفهان: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۱۶. شیخ حرعاملی (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. قم: آل‌البیت.
۱۷. فرهادیان، رضا (۱۳۷۸). خانواده و تحول در تربیت. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۱۸. فولادجنگ، محبوبه (۱۳۸۲). خانواده و پرورش مسئولیت‌پذیری در کودکان. نشریه پیوند، شماره ۲۲، ۲۵-۲۸.
۱۹. قاسمی، محمد علی (۱۳۹۴). نقش تشویق در تربیت دینی کودکان. <https://rasekhoon.net/article>
۲۰. گلدنبرگ، هربرت، و گلدنبرگ، آیرین (۱۴۰۰). مروری بر خانواده‌درمانی. تهران: انتشارات رسا.
۲۱. لورا، برک (۱۳۹۸). روان‌شناسی رشد. مترجم: سیدمحمدی، یحیی. تهران: ارسباران.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی، و همکاران (۱۳۹۸). خانواده. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه. قم: دار الحدیث.
۲۵. بی‌نا (۱۳۹۱). مدیریت خانواده. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، اصفهان.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). فلسفه اخلاق. تحقیق و نگارش: احمدحسین شریف. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی: نشر المثل.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶). تفسیر نمونه. تهران: دارالاسلامیه.
۲۸. ناصری، الهام (۱۳۹۷). چگونه مسئولیت‌پذیری در کودکان را افزایش دهیم. <https://www.chetor.com>